

## روش غیر دیپلماتیک پارلمان ایران در مقابل سناتوران افغان

### خودنگری نمایندگان پارلمان ایران که بر پایه مردمی استوار نیستند

بتاریخ ۳۱ سرطان ۱۳۹۰ راپور مختصری در سایت وزین افغان آسمائی نشر شد که ماجرای برخورد هیئت پارلمانی سناتوران افغان، را که به دعوت پارلمان ایران در آن کشور سفر کرده بودند نشر نمود. نمایندگان پارلمان ایران با وجودیکه میزبان نمایندگان مشرانو جرگه افغان بودند ولی برخلاف تعامل سیاسی و روش های دیپلماتیک که در جهان معمول است با نمایندگان پارلمان افغانستان در جلسه عمومی پارلمان ایران برخورد مناسب نداشتند و برخی از نمایندگان پارلمان ایران در ضمن ایکه شعار های ضد امریکائی میدادند و در این مجلس ادعا داشتند که نمایندگان افغان بر ضد سیاست امریکائی ها به ایران آمده اند و نمایندگان پارلمان ایران به نمایندگان مشرانو جرگه افغانستان هوشدار میدادند که پیمان سترژیک را با امریکائی ها امضا نکنند. و افغانستان را چندین بار کشور اشغال شده از سوی امریکائی ها خطاب کردند.

یکی از سناتوران افغان به ایرانی ها گفت که "افغانستان یک کشور اشغال شده نیست بلکه قوای بین المللی به اثر تصویب فیصله جامعه جهانی بر اساس فیصله شورای امنیت ملل متحد به افغانستان آمده اند". در این مورد باید ذکر نمود که کشور ایران فراموش نموده که در آن زمان برای از بین بردن رژیم مستبد و ظالم طالبان با آمدن قوای جامعه بین المللی موافقه داشتند.

سناتوران افغان پروبلم ارسال اسلحه ایرانی ها را به طالبان مطرح کردند و هم در مورد وضع زندانیان افغان که در حدود ۳۸۰۰ افغان که در زندان های مختلف ایران بسر میبرند و به تعداد ۲۸۰ تبعه افغان به جرم مواد مخدر به اعدام محکوم شده اند که نمایندگان پارلمان ایران پذیرفتند که جزای محکومین به اعدام را به حبس ابد تبدیل کنند. و مزید بر آن سناتوران افغان خواستار اجرای معاهده استرداد مجرمین و متهمین افغان از ایران گردیدند و هم در مورد عدم اخراج نیم ملیون مهاجر افغان تقاضا بعمل آمد که از سوی مقامات ایرانی این تقاضا رد شد.

### استعمال کلمه طعنه آمیز "افغانه"

مدتها است که رویه خصمانه و غیر انسانی پاسداران ایران مقابل مهاجرین بی دفاع افغان در نشرات بیرون و درون مرزی تذکر رفته که باعث تاثرات عمیق همه افغانها در داخل و خارج کشور گردیده است. افغان های مهاجر در اردوگاههای مهاجرین و سایر نقاط ایران بدون استثنا شکنجه روحی و جسمی میشوند.

چیزیکه زیادتر باعث تعجب میشود اینست که مامورین دولتی ایران کلمه "افغانه" را در مورد افغانها در گفتار و بیان و نوشته های خود بکار میبرند. اصطلاح افغانه یک ریشه تاریخی دارد که اگر ایرانیان به اوراق تاریخ خویش بخصوص در دوره صفوی ها نظر اندازی کنند شاید هرگز دیگر این کلمه را که شرم تاریخ برای ایرانیان است استعمال نکنند.

هنگامیکه شاه محمود هوتک افغان به فارس حمله نمود، شاه حسین صفوی زمام امور کشور فارس را بعهده داشت، عساکر فارس به مقابل پیشروی نظامیان افغان مقاومت نتوانسته و پا به فرار گذاشتند و در طول راه به هر شهر و قریه ایکه می رسیدند پیشروی نظامیان افغان را در آوان گریز به مردم خبر میدادند و این پیشروی عساکر افغان را از روی خصومت بنام هجوم افغانه به مردم نام گزاری کردند، شاه محمود بالاخره شهر زیبای اصفهان را به محاصره کشید و به کمک چهل تن از فارسیان که برای اردوی افغان جاسوسی مینمودند موفق شد که محاصره را شکسته و شهر زیبای اصفهان را که در آن زمان پایتخت کشور فارس بود تسخیر کرد و شاه حسین بالاخره شکست خورد و در مقابل برای آنکه زندگی اش در امان باشد دختر خود را به عقد ازدواج شاه محمود در آورد.

دپانو شمیره: له ۱ تر 3

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادښت: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالې د لېکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څېر و لولئ

بعد از تسخیر اصفهان اولین کاری که شاه محمود افغان انجام داد همان چهل تن جاسوسان فارس را محکوم به اعدام نمود و گفت که این چهل تن از خائنین ملی فارس استند که بر ضد مملکت خود به جاسوسی پرداختند. این واقعه البته یک رویداد تأسف انگیز تاریخی برای فارس است که ایرانیان آنرا از کتب درسی محصلین خویش حذف نمودند ولی در کتب تاریخی بیرون مرزی بخصوص در اروپا ثبت است.

و اگر ایرانیان دانسته و یا نا دانسته کلمه افغانه را به رخ افغان ها میکشند ولی اکنون نباید خصومت های چندین قرن گذشته را با کلمه "افغانه" دوباره احیاء ساخت.

ایران همسایه و برادر ماست و ما همیشه با ایران روابط حسنه همجواری داشته ایم، دارای زبان مشترک بوده و فرهنگ ما نسبت به همه ممالک همجوار با این کشور نزدیک است و از اینکه کشور ما توسط قوای روس اشغال شد و ملت افغان برای دفاع از خاک خود همه یکجاء مقابل قوای روس کمونیست برخاسته و با قوای روس و رژیم دست نشاندۀ خلق و پرچم جهاد نمودند و در زمان جهاد دو الی سه ملیون مهاجر افغان در جمهوری اسلامی ایران پناه بردند که ما قلباً از کمک کشور ایران که به مهاجرین افغان جای دادند تشکر میکنیم ولی در عین حال شکایات و گله هایی هم داریم که این همه خشونت و تحقیر برای چیست؟

هر مهاجر افغان که بوطن برگشته و یا همین اکنون به حیث مهاجر در ایران زندگی دارد از رویه غیر انسانی پاسداران ایران داستان های دلخراش دارد. و در شروع مهاجرت افغان ها این بد رفتاری ها و روش خشن روز بروز شدت اختیار نمود و همه افغانها را ایرانیان به حیث "افغان سربر" یاد میکردند. از اینکه یک عده خیلی محدود از افغانها مخالف اصول و مقررات و قانون جامعه ایران رفتار نموده اند و جنایت را مرتکب شده اند آنها سزاوار مجازات استند و حتماً مجازات هم شوند ولی اکثر افغانها مردمان زحمت کش، نجیب و مسلمان اند که روی عقیده راسخی که به دین، ایمان و محبت به کشور خود داشتند از زیر اختناق کمونیزم و رژیم های دست نشاندۀ روس به ممالک همسایه پناه آوردند. این مهاجرین در ایران از حمایت مالی حکومت ایران برخوردار نبودند و هر کاری را در ایران مطابق به وسع و توان و دانش خود انجام داده و در آبادانی بیشتر ایران سهم فعال گرفتند و شاقه ترین کارها را با کمترین مزد انجام دادند.

به ارتباط کلمه "افغان سربر" من هم قصه هایی از ایرانی ها دارم. در سالهای ۱۹۶۶ در آلمان به حیث محصل زندگی داشتم، در آنوقت تعداد کثیر جوانان ایرانی در اروپا آمده برای آنکه ویژه اقامت بگیرند خود را به حیث محصل نزد پولیس آلمان راجستر میکردند و عده زیاد این ایرانی ها شبها را در دیسکوها و سالون های رقص و کاباره ها صبح نموده و چون به فرهنگ غرب آشنائی نداشتند به زنان و دختران آلمانی بی احترامی و حتی تجاوز جنسی میکردند و با جوانان آلمانی و یا با همدیگر خود به سبب یک دختر جنگ و دعوا کرده و فوری چاقو را از جیب کشیده و طرف مقابل را زخمی میکردند و روزی نبود که در اخبار های منطقوی آلمان چنین جنجال ها، زد و خورد ها و چاقو کشی های این ایرانیان نشر نشود. حتی روزنامه های آلمانی ایرانی ها را بنام "ایرانی های چاقو کش" خطاب میکردند. درست بخاطر دارم که در آنزمان سایر ایرانیها و حتی مراجع رسمی ایران در مورد اصطلاح "ایرانیان چاقوکش" پروتست کردند و ادعا داشتند که همه ایرانی ها چاقوکش نیستند و چرا روزنامه های آلمانی همه ایرانی ها را با این کلمه نادرست یاد میکنند، که بجا هم بود و نباید همه ایرانی ها را به این نام یاد میکردند.

بعد از انقلاب اسلامی در ایران تعداد زیاد ایرانی ها به حق یا ناحق کشور را ترک و به کشورهای آسیائی، اروپائی و کسانیکه از نگاه مالی مستعد بودند به امریکا مهاجر شدند و اکنون تنها در آلمان بیش از ۲۵۰ هزار ایرانی که تعداد شان از سایر مهاجرین کشورهای دیگر بیشتر است به حیث پناهنده بسر میبرند و از سالهاست که به مصرف ملت آلمان به وجه احسن کمک پولی و اعاشه و ابطه میشوند و بر خلاف آن ظلمی که مقامات ایرانی بالای مهاجرین بدبخت افغان میکنند آلمانی ها که مسلمان هم نیستند و بطور مثال از صلۀ رحم و عاطفه به اصطلاح اسلامی آگاه نیستند این ایرانی های مسلمان را پناه داده و بصورت خیلی مرفح زندگی شان را تأمین میکنند.

مثالهای دیگر، عده ای زیادی از پناه گزینان ایرانی در استانبول و سایر شهرهای ترکیه دست به اعمال ناشایست میزنند که من از توضیح آن در اینجا خوداری میکنم.

به تعداد زیاد جوانان ایرانی در شهر بنکاک در کشور تایلند در کنار جاده ها شبانه بساط خود را روی زمین هموار نموده و پسته فروشی میکنند و خود را به حیث طبقه تعلیم یافته، مهندس و یا انجنیر ساختمانی معرفی میکنند ولی به اعمال ناخوبی هم مبادرت میورزند و یا عده ای دیگر از ایشان که بنام سیاح و یا تاجر ویژه سه ماهه جاپان را گرفته

در جاپان به پائین ترین مشاغل بصورت غیر قانونی اشتغال میورزند و بعضا نسبت خطاکاری و قانون شکنی توسط مامورین جاپانی دستگیر شده و از مملکت اخراج میشوند.

چرا این مثال ها را در این نوشته ذکر میکنم؟؟؟ برای آنکه میخواهم بدین وسیله توجه ایرانیان را جلب کنم که عده ای محدود از ایرانیان مهاجر در کشور های مختلف کارهای ناشایست انجام میدهند و اینها یک طبقه کوچک استند و ما بخود اجازه نمی دهیم که از روی اعمال و کردار نا شایست یک عده قلیل بالای ملت ایران یک قضاوت کلی نمائیم و متقابلاً از مردم ایران خواهشندیم که به علت اینکه یک عده قلیلی مهاجرین افغان در ایران مرتکب اعمال ناپسند شده اند، قضاوت کلی به ملت افغان نکرده و همه را " سربر " خطاب نکنند.

رویه خشن و غیرانسانی ایرانیان در برابر افغان ها هنوز هم ادامه دارد و در روزنامه های مختلف رفتار سوء مامورین امنیتی ایران به مقابل مهاجرین افغان انتشار می یابد و کمیشنر عالی ملل متحد نیز واقعات دلخراش را در برابر مهاجرین افغان تائید میکند.

ولی با تأسف عمیق مراجع رسمی ایران همه را رد کرده و طوری وانمود میکنند که آنها بهترین سلوک را در برابر افغان ها داشته اند و دارند. پاسداران ایران بخصوص در شهر مشهد و توابع آن افغان ها را در جاده ها و بازار ها جستجو نموده و حتی اگر اسناد قانونی اقامت هم بدست داشته باشند در ملاء عام زیر لت و کوب گرفته و این بیچاره های بی دفاع را فحش داده به اردوگاه میبرند و در آنجا برای مدت نامعلومی بدون رسیدگی به اسناد دست داشته شان زندانی کرده و بعد به نوبت به اصطلاح خودشان آنها را رد مرز میکنند. این یک یا دو واقعه منفرد نیست بلکه هزار ها مهاجر داستانهای غیر قابل باوری دارند و من صرف یک دو مثال آنرا در این نوشته ذکر کردم :

واقعاتی را که در طول سی سال اخیر در مشهد و سائر شهرهای ایران گذشته و در جراید هم نشر شده همه بخاطر دارند و حتی امام خمینی چند بار در تلویزیون ایران به دفاع از افغان های مهاجر مردم را نصیحت میکرد که از تشدد در مقابل مهاجرین افغان کار نگیرند و کسانیکه به این مهاجرین بینوا و بی دفاع صدمات روحی و جسمی وارد میسازند اقلاً به گفتار آن مرد روحانی ایران کمی توجه کنند.

مهاجرینی که به اصطلاح رد مرز میشوند و به هرات می آیند می گویند که مامورین سرحدی ایران مهاجرین را اذیت کرده و حتی پول نقد شان را میگیرند (یعنی می دزدند) ، اقلاً یک بشکه نفتی را که مهاجرین جهت محروقات با خود حمل می نمایند مامورین سرحدی ایران نفت شان را بر روی زمین ریخته و بشکه خالی را بدست این بی نوایان میدهند و بعد آنها را جانب سرحد افغانستان میفرستند، و اضافه برآن یک تعداد زیاد افغان هایی را که در یک شهر دکانی داشته و مشغول کسب و کار اند، بی جهت از دکان یا محل کارشان دستگیر نموده و حتی به ایشان اجازه آنرا نمیدهند که اقلاً پول نقد خویش را بردارند و یا به فامیل های خود خبر دهند و بلا فاصله ایشان را به اردوگاه میبرند و بعد رد مرز میکنند.

آیا این پاسداران از کرامت انسانی چیزی میدانند؟ از راه حقوق بشر و احکام دینی گذشته اند؟ هیچ کسی ادعای آنرا ندارد که پاسداران وظیفه خود را غماض کنند و اصول و مقررات کشور خویش را تطبیق ننمایند ولی انصاف را باید در نظر داشته باشند و مجرم و بیگناه را با یک چوب نرانند. نمی دانم که کشور جمهوری اسلامی ایران مرجعی مانند کمیسیون حقوق بشر و سازمان جنایت مقابل بشر را دارند که این مردم بیچاره به این مراجع رفته و شکایت کنند. ما همه افغانها از مقامات ذیصلاح کشور جمهوری اسلامی ایران محترمانه خواهش میکنیم که به صدای این مظلومین بی دفاع جواب گفته و رفتار سوء پاسداران ایران را بنام اسلام و بشریت تحقیق کنند.

پایان